

روایتی از جشن بازگشت به زندگی بهبودیافتگان اعتیاد در مشهد

حلاوت زندگی دوباره



نگار بهمن‌نشداد / شهر از

ایام میلاد پیامبر رحمت (ص) و امام صادق (ع) است و به مراسم جشن دعوت شده ایم، اما جشنی متفاوت و باشادی و سرور چندبرابر. شرکت کنندگان این مراسم در کنار میلاد اهل بیت (ع)، فرصت زندگی دوباره را نیز جشن گرفته اند، آن هم درحالی که تا همین چندماه پیش حتی امیدی به زنده ماندن نداشتند، چه رسد به درمان و اشتغال و... اینجا میهمان چهارمین جشن بهبودیافتگان از سوء مصرف مواد مخدر در مؤسسه «زندگی دوباره» هستیم که با نظارت تیم تخصصی «مدیریت مورد»، مدتی است موفق به ترک اعتیاد و بازگشت به زندگی شده اند. بیش از ۱۵۰ نفر از بهبودیافتگان اعتیاد با شش ماه تا دو سال تجربه پاکی، مشتاقانه دور هم جمع شده اند تا موفقیت بزرگ و شیرینی را که با وجود همه موانع و سختی ها به دست آورده اند، جشن بگیرند. اوج این شوق و شور از صدای بلند صلوات ها و کف زدن ها و تشویق های ایستاده و بی وقفه شان پیداست. البته این همه ذوق و اقباع هم بجاست، چون هم پاک شده اند و هم پس از پاکی به حال خود رها نشده اند.



زهراتاجاری

رهایی بادست خدا

تقریباً همه سنی بینشان دیده می شود؛ کمتر از بیست تا بیش از چهل سال. از فرصت اجرای گروه دف زنی استفاده می کنم و پای صحبت یکی از بهبودیافتگان می نشینم؛ جوانی ورزشکار که در رشته فوتسال تالیگ ۲ و سوپرلیگ کشور هم رفته اما با گرفتاری در دام اعتیاد، از ادامه راه بازمانده است؛ «۲۶ سال دارم و سه سال پیش که به علت مصدومیت، مدتی از ورزش دور شده بودم و به دلیل پیری و بیماری والدین، اوضاع خانوادگی مساعدی نداشتم، با فریب دوستان نایاب به حشیش اعتیاد پیدا کردم. فکر می کردم این طوری با حال خوبی که به دست می آورم، می توانم بهتر برای خانواده و آینده ام تلاش کنم. نوروز پارسال با رفتاردار پارک نشسته بودیم که توسط مأموران دستگیر و به مرکز «زندگی دوباره» منتقل شدم. قبلاً یکی دو بار خودم اقدام به ترک کرده بودم، اما ناموفق بودم. با این حال، با کمک مددکاران، هفت ماه است که پاک شده ام.»

اما دستگیری و انتقال رامین به کمپ، اتفاقی نبودند. گویا درواقع استجابت دعای یکی دو روز پیش او و استغاثه اش به درگاه خدا بوده است؛ «تصور می که همسایه ها و اهل محله از من داشتند، جوانی کوله باشگاه به دوش بود، اما پس

و...»

دم مأموری که دستگیرم کرد، گرم

یکی دیگر از حاضران جشن که نوجوانی و جوانی اش در آتش اعتیاد خاکستر شده، حسین بیست و هشت ساله است. خیلی ساده و خودمانی اما سرشار از شوق و امید تعریف می کند: «پیش از تولد من پدرم به علت حمل مواد اعدام شده بود. مادرم نیز به علت بیماری هموفیلی، هنگام زایمان از دنیا رفت و من از بیمارستان مستقیم به شیرخوارگاه منتقل شدم. فقط یک برادر داشتم که نزد مادر بزرگم نگهداری می شد و پس از شش سالگی که به بهزیستی منتقل شدم، او را هم آنجا آوردند. چون مادر بزرگم فوت کرده بود، وقتی من دیدم بقیه بچه ها کس و کاری دارند و دیدوبازدید و رفت و آمدی، برای تنهایی و بی کسی ام دلم می سوخت و خیلی غصه می خوردم. این شد که حدود نه سالگی طاقت نیاوردم و از خوابگاه فرار کردم؛ غافل از اینکه بیرون از اینجا سرنوشتی تلخ تر در انتظارم است. اعتیاد خیلی نامرد است، حتی همان حال خوب روزهای اول هم دیگر برایت نمی ماند و در غم و غصه فرو می روی.» این جمله را بارها میان صحبتش تکرار می کند و ادامه می دهد: «بعد از خوابگاه درحالی که فقط ۱۰ سال داشتم، گرفتار حمل مواد و مصرف سیگار و مشروب شدم. آخرش هم رسید بی کسی به فریادم رسید. دم آن مأمور که اسفند پارسال مرا دستگیر کرد، گرم! البته پیش از آن هم زندان رفته بودم، ولی متادون مصرف می کردم و انگیزه ای برای ترک نداشتم. از زندان هم که بیرون می آمدم، کسی نبود دستم را بگیرد. دوباره همان اطرافیان نایاب با پیشنهادهایشان سراغم می آمدند و گذشته تکرار می شد. اما این بار و در این مرکز اوضاع خیلی فرق داشت. مثل خانواده خودم حمایت و پشتیبانی کردند و حتی پس از ترخیص هم هر روز سرکشی می کنند و هوایم را دارند. هم جا و مکان داده اند و هم کار. وقتی چنین فرصتی نصیبم شده است، چرا برگردم؟ دیگر بی کس و کار نیستم.»

از خوزستان تا مشهد؛ به دنبال راه نجات



پیدا کنم. بعد هم دوسه روزی از حال رفتم و وقتی به هوش آمدم، دیدم دو خادم بالای سرم هستند. التماسشان کردم هرجا مرا می برند، زندان نبرند. در نهایت به کمپ منتقل شدم.»

او چهل روز ضمن مصرف متادون در جلسات آموزشی شرکت می کرد تا سرانجام توانست تصمیم بگیرد و ترک کند: «دقیقاً بیست و یکم آبان ۱۳۹۷ برای همیشه با متادون و مواد مخدر خدا حافظی کردم و سه ماه بعد با اینکه می توانستم از کمپ بروم، ماندم تا برابرم مدارک تهیه کردند و وقتی دیدند کار مناسبی ندارم، مرا به این مجموعه غذایی معرفی کردند. حالا پس از پنج سال از اشتغالم در اینجا، نه تنها سرپرست یکی از شیفت های آشپزخانه هستم با تمام حقوق و مزایا و بیمه، بلکه توانسته ام ماشین هم بخرم و به واسطه یکی از همکاران، داماد یک خانواده ایثارگر شوم. به جز من حدود پانزده نفر از کارکنان اینجا از بهبودیافتگان هستند.»

پایان بخش مراسم هم قرعه کشی سفر عتبات عالیات برای بهبودیافتگان بود که خاطره این شب زیبا را در ذهنشان ماندگار کرد.

جالب اینجاست که بهبودیافتگان اینجا هم میزبان اند و هم میهمان. زیرا مجموعه غذایی ای که این دوره می در آن بریاست، برای اشتغال به کار نیز پذیرای بهبودیافتگان است. نمونه اش محمد که دو دهه از چهل سال عمرش به پای اعتیاد تباه شده، اما دست سرنوشت او را از خوزستان به مشهد آورده است تا با عنایت امام رضا (ع) روی خوش زندگی را ببیند: «از آنجا که پدرم ساقی مواد بود، همیشه نیم تا یک کیلو هروئین در خانه وجود داشت! این شد که هم خودش و هم ما پنج فرزند مبتلا شدیم. حتی مادرم به علت بیماری ناچار به مصرف شد و به فاصله یک سال بعد از پدرم از دنیا رفت. خواهر و برادرها به دنبال اعتیادشان هر کدام یک جا پراکنده شده بودند و خبری ازشان نبود. تک و تنها پدر و مادر را به خاک سپردم. خانه مان را ۷٫۵ میلیون تومان فروختم و در هفده سالگی یک معتاد کارتن خواب شدم. شهریه شهر گشتم تا به مشهد رسیدم. یک روز که سر دریافت مواد، بینی ام را شکسته بودند، از شدت خون ریزی و خماری به زیرگذر حرم پناه بردم. یک لحظه دلم شکست و از امام رضا (ع) خواستم کمک کند نجات

شهر بدون تجمع معتادان



هشتصد نفر از مددجویان که حتی از خانواده طرد شده بودند، در این کارگاه ها شاغل و تبدیل به نیروی کار مولد شده اند. طرح مدیریت مورد نیز که از تهران ابلاغ شده، کمک درخور توجهی به موفقیت و ماندگاری ترک اعتیاد کرده است. در این طرح، از بهبودیافتگان و خانواده هایشان پس از ترخیص، با ارائه مشاوره و خدمات آموزشی و اقتصادی حمایت می شود تا احتمال برگشت به کمترین اندازه برسد. رحمانی ادامه می دهد: مشهد حدود ۱۰ هزار معتاد شناسایی شده دارد که ۶ هزار نفرشان متجاهر هستند، اما قول می دهم به زودی مردم دیگر تجمع معتادان را در شهر شاهد نیابند؛ هرچند کار بسیار سختی است. از یک سو امار جهانی نشان می دهد از هر صد معتاد فقط پنج نفر برای همیشه از دام اعتیاد نجات می یابند و از سوی دیگر، مشهد وضعیت خاص خود را دارد؛ هم از لحاظ ترکیب جمعیتی شناور و هم مرز طولانی با افغانستان. در عین حال ما ناامید نمی شویم تا آمار نجات یافتگان همیشه به ۲۵ درصد که میانگین جهانی است، برسد و شعار «شهر بدون تجمع معتاد» تحقق یابد. بدین منظور نه تنها از مطالبه گری مردم نا راحت نمی شویم، بلکه از آن استقبال هم می کنیم.

اسماعیل رحمانی، معاون دادستان خراسان رضوی، در حاشیه این مراسم در گفت و گو با شهرآراییان می کند: اعتقاد ما بر این است که نجات معتاد و بازگشت او به آغوش خانواده و جامعه غیرممکن نیست و در دادسرا همه تلاشمان را برای تحقق این امر به کار گرفته ایم. درست است که اعتیاد بلای خانمان سوز و ریشه ناهنجاری ها و جرائم متعدد است، اما معتاد را سرپار جامعه نمی دانیم، بلکه فردی می بینیم که در اثر غفلت و کم توجهی خود، خانواده یا مسئولان به بیراهه رفته است و در صورت نگاه درست، می تواند ظرفیت مولد باشد.

او با بیان اینکه در مشهد شانزده مرکز ترک اعتیاد اجباری (برای معتادان متجاهر) با ظرفیت ۶ هزار نفر وجود دارد که تاکنون ۵ هزار نفر ظرفیت این مراکز پر شده است، تأکید می کند: در این مراکز به بهترین شکل ممکن و با رعایت شأن و کرامت انسانی با مبتلایان رفتار می شود و هرگز نگاه تحقیرآمیز وجود ندارد. همچنین از پارسال به ابتکار مشهد و اولین بار در کشور، کارگاه های حرفه آموزی و اشتغال در مراکز ترک اعتیاد راه اندازی شده است تا مراجعان ضمن مداوا، توانمند شوند و امکان بازگشت به زندگی و جامعه را پیدا کنند. تاکنون

حمایت از بهبودیافتگان



او ادامه می دهد: معتاد در جامعه گم شده است و آبرو و اعتباری ندارد. همین عامل بسیاری از ترک های ناموفق است. پیش از اجرای این طرح شاهد بودیم که مددجو می آید و بعد از سه ماه ترخیص می شود، اما هنوز یک هفته نشده، برمی گردد. چون حمایت نداشتند و دوباره مبتلا شده است. درواقع چرخه درمان معیوب بود. این بوده که در مراکز ترک اعتیاد پای صحبت افراد نشستیم و با دغدغه ها و مشکلاتشان برای ترک و تداوم آن آشنا شدیم. این گونه پس از ترخیص کسانی را که دغدغه سرپناه و کار و درآمد دارند، به مرکز توانمندی معرفی می کنیم تا به مدت یک سال ضمن بهره مندی از مکان و غذا، شاغل شوند و بایس انداز خود بتوانند مستقل و به جامعه وارد شوند.

خانم محمدزاده، رئیس هیئت مدیره مؤسسه «زندگی دوباره» با اشاره به آغاز به کار این مؤسسه از اواخر دهه ۸۰ زیر نظر بهزیستی می گوید: مرکز ماده ۱۶ حسن آباد، ماده ۱۵ فلاحی، مرکز توانمندی بانوان، توانمندی مردان و طرح مدیریت مورد زیرپوشش این مؤسسه است. مددجویان مراکز ماده ۱۶ که با حکم قضایی ترخیص می شوند، در قالب طرح مورد، حمایت و پشتیبانی می شوند؛ به این ترتیب که پس از ترخیص مددجویان، به صورت مجرمانه از خانواده و وضعیت مددجو تحقیق و شبکه مسائل او (از ازشنی یا خانواده و ثبت نام فرزندان در مدرسه گرفته تا ندارد یا تجدید مدارک هویتی) را شناسایی می کنیم تا بتوانیم اصلی ترین دغدغه ها و مشکلاتش را که احتمال برگشت را تقویت می کند، رفع کنیم.